



The Role of Political Institutions in Iran's Economic Development from the Constitutional Revolution to 1941¹

Ghasem Misaei* Faez Dinparast**

Abstract

This study examines the influence of post-Constitutional Revolution political institutions on Iran's economic development from 1906 to 1941. Iran's development trajectory has been marked by considerable volatility, with the Constitutional Revolution representing a crucial historical juncture. The central research question asks: What role did political institutions established after the Constitutional Revolution play in shaping Iran's developmental process? To address this inquiry, the study first constructs a conceptual framework by tracing the historical evolution of relevant theoretical perspectives. Subsequently, employing historical methodology augmented by fuzzy-set Qualitative Comparative Analysis (FsQCA), the research systematically investigates this question. Analysis of findings utilizes consistency and coverage metrics to assess causal configurations. The FsQCA results reveal a distinct causal pathway to economic underdevelopment during this historical period, characterized by the simultaneous presence of five critical conditions: genre incompatibility among political elites, deficient elite adherence to the rule of law, weak separation of powers, an imbalanced power relationship between state and society, and a prevailing relational orientation over rule-based governance. The analysis demonstrates perfect consistency (consistency = 1.0), indicating complete alignment of this causal configuration across cases. Additionally, the raw coverage score of 0.75 indicates that this pathway accounts for 75% of economic underdevelopment cases within the research sample.

Keywords: Iran, Constitutional Revolution, Pahlavi I, Economic Development, Political Institutions.

1. Extracted from the dissertation "The Role of Political Institutions in Iran's Economic Development from the Constitutional"/ Supervisor: Faez Dinparast, Advisors: Abolfazl Delavari and Jafar Khairkhahan/ Allameh Tabataba'i University/ Ph.D

* Ph.D. Student of Political Sociology, Department of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran.

ghmisaei@yahoo.com

0009-0009-9163-1206

** Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

faez.dinparast@gmail.com

0000-0001-7329-2794

دو فصلنامه علمی «دانش سیاسی»، مقاله پژوهشی، سال بیستم و یکم، شماره دوم (پیاپی ۴۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص. ۶۲۸-۵۹۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران از انقلاب مشروطه تا ۱۳۲۰ش^۱

قاسم میسائی* فائز دین پرست**

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش نهادهای سیاسی بعد از انقلاب مشروطه در توسعه اقتصادی ایران از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ش می‌پردازد. فرایند توسعه در ایران از فراز و فرودهای زیادی برخوردار بوده است. وقوع انقلاب مشروطه نیز یکی از نقاط عطف مهم تاریخی ایران در این زمینه است. حال این پرسش مطرح می‌شود که نهادهای سیاسی بعد از انقلاب مشروطه چه نقشی در فرایند توسعه ایران داشته‌اند. برای پاسخ‌گویی به این پرسش ابتدا با بررسی سیر تاریخی نظریات موجود یک چهارچوب مفهومی ساخته شده است. سپس پژوهش حاضر با استفاده از روش تاریخی و با کمک تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه‌های فازی تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از سطح سازگاری و پوشش استفاده شده است. نتایج پژوهش با استفاده از نرم‌افزار FCQCA بیانگر حضور هم‌زمان پنج شرط: ناسازگاری ژانری فرادستان، ضعف در تبعیت فرادستان از قوانین، ضعف در تفکیک قوا، ضعف در موازنه قدرت بین دولت و جامعه و رابطه‌گرایی در مقابل ضابطه‌گرایی به عنوان عوامل وقوع توسعه نیافتگی اقتصادی ایران در دوره تاریخی مورد نظر است. سطح سازگاری در این تحلیل عدد یک را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده سازگاری کامل است. همچنین، میزان پوشش خام ۰٫۷۵ نشان می‌دهد که این مسیر، قادر به تبیین ۷۵ درصد از موارد وقوع توسعه نیافتگی اقتصادی در نمونه پژوهش بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، انقلاب مشروطه، پهلوی اول، توسعه اقتصادی، نهادهای سیاسی.

۱. برگرفته از رساله «نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ش»/ استاد راهنما: فائز

دین پرست، مشاوران: ابوالفضل دلاوری و جعفر خیرخواهان/ دانشگاه علامه طباطبائی/ دکتری

* دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

جمهوری اسلامی ایران.

ghmisaei@yahoo.com

0009-0009-9163-1206

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری

اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

faez.dinparast@gmail.com

0000-0001-7329-2794

مقدمه

بیان مسئله: فرایند توسعه در ایران همواره مسیری پرفرازونشیب را طی کرده است. در برهه‌هایی از تاریخ، شاهد رشد و بهبود نسبی شاخص‌های اقتصادی بوده‌ایم؛ اما این رشد‌ها نه تنها پایدار نبوده‌اند بلکه به توسعه‌یافتگی مستمر نیز منجر نشده‌اند. با وجود تلاش‌های گوناگون در طول دهه‌ها برای دستیابی به توسعه، ایران همچنان در زمره کشورهای توسعه‌یافته قرار نگرفته است. بررسی نقش نهادهای سیاسی و تعهد آن‌ها به قواعد نهادی در فرایند توسعه ایران، دغدغه اصلی پژوهش حاضر است.

اهمیت: اهمیت نظری و راهبردی و کاربردی مطالعه توسعه ایران از منظر عملکرد نهادهای سیاسی، ارائه بینش عمیق‌تری درباره علل بنیادی توسعه‌نیافتگی کشور، و متناسب با آن ارائه راهکارهای عملی در فرایند توسعه کشور است.

ضرورت: با توجه به اهمیت مسئله، فقدان تحلیل‌های جامع از منظر نهادگرایی جدید و نقش نهادهای سیاسی، یک خلأ جدی در ادبیات پژوهش به‌شمار می‌رود. با توجه به اهمیت نهادها در ادبیات جدید توسعه، بررسی تاریخی - تحلیلی توسعه ایران از این منظر ضروری به نظر می‌رسد. چنین پژوهشی می‌تواند راه را برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای و اصلاح ساختارهای نهادی هموار کند.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش، تبیین فرایند توسعه ایران در طول سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ با اتکا به نظریه نهادگرایی جدید است.

سؤال‌ها: پژوهش حاضر به پرسش زیر می‌پردازد:

فرایند توسعه ایران از منظر نهادگرایی جدید در طول سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ چگونه قابل تبیین است؟

روش: پژوهش حاضر از نوع آمیخته و کاربردی است و از رویکرد تحلیل تاریخی - نهادی با کمک تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه‌های فازی (FCQCA) بهره می‌گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت مسئله، پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است که می‌توان آن‌ها را به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

تاکنون در نشریه دانش سیاسی، مقالاتی درباره تحلیل جنبه‌های مختلف توسعه در ایران منتشر شده است. تمرکز این مقالات بیش‌تر بر ابعاد جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی، دیپلماسی اقتصادی و برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران بوده است؛ اما به‌طور مشخص با موضوع نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی مقاله‌ای منتشر نشده است؛ برای مثال، شیخ‌زاده، کمالی و لشکری (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «فراتحلیل موانع توسعه حزبی در ایران»، با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوا، به بررسی موانع نهادی شکل‌گیری احزاب در ایران پرداخته‌اند.

سلیمانی (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در اسناد توسعه‌ای کشور با تأکید بر برنامه هفتم توسعه را تحلیل کرده است.

بیدالله‌خانی و فرخاری (۱۴۰۱) نیز در مقاله «فراتحلیل عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹»، به گونه‌شناسی عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در پژوهش‌های مندرج در نشریات منتخب علمی - پژوهشی دهه ۹۰ پرداخته‌اند.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

علت توسعه‌نیافتگی ایران و تبدیل‌نشدن رشدهای مقطعی به توسعه پایدار، از منظر اندیشمندان متفاوت تبیین شده است. برخی بر عوامل جغرافیایی مانند کم‌آبی، پراکندگی اجتماعات و دشواری دسترسی در مناطق مختلف تأکید دارند (Clawson, 1993؛ زیباکلام، ۱۴۰۰؛ کاتوزیان، ۱۴۰۰). گروهی دیگر، بر ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی ایرانیان مانند ضعف کار جمعی، عدم انتقادپذیری و روابط سلسله‌مراتبی استبدادی تمرکز کرده‌اند (فراستخواه، ۱۴۰۱؛ سریع‌القلم، ۱۴۰۱؛ غنی‌نژاد، ۱۳۹۷؛ نراقی، ۱۳۹۹؛ رضاقلی، ۱۳۶۷؛ ۱۳۷۷). درمقابل، برخی محققان، اقتصاد را عامل بنیادین توسعه‌نیافتگی دانسته و بر نبود انباشت سرمایه، فقدان فنودالیسم، اقتصاد نفتی و غیردرقابتی تأکید می‌کنند (علمداری، ۱۳۸۹؛ Bharier, 1971; Amuzegar, 1977; Looney, 1977; Mofid, 1987; Motamen, 1979; Pesaran, 1985; Mahdavy, 1970). گروهی نیز بر عوامل فرهنگی - اجتماعی کلان چون چندپارگی فرهنگی، فرهنگ سیاسی پدرسالار و کمبود سرمایه

اجتماعی تأکید دارند (بشیریه، ۱۳۸۷؛ عظیمی، ۱۳۹۴؛ رنانی و مویدفر، ۱۳۹۶؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۷؛ قاضی مرادی، ۱۳۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۶). درمقابل، دیدگاهی دیگر علت را در وابستگی خارجی و جایگاه ایران در نظام جهانی می‌داند (اشرف، ۱۳۵۹؛ بهنام، ۱۳۹۹؛ Saikal, 2009; Halliday, 1978; Jazani, 1980). با این حال، آنچه کم‌تر بررسی شده، نقش نهادهای سیاسی و میزان تعهد آن‌ها به قواعد نهادی در فرایند توسعه است. در این چهارچوب، انقلاب مشروطه نقطه عطفی در نهادسازی سیاسی ایران محسوب می‌شود؛ زیرا نهادهایی چون قانون اساسی، مجلس، دولت نوین و نظام قضائی را پدید آورد. این پژوهش، توسعه اقتصادی ایران را از منظر نهادگرایی جدید تحلیل و چهارچوبی برای تبیین آن ارائه می‌کند.

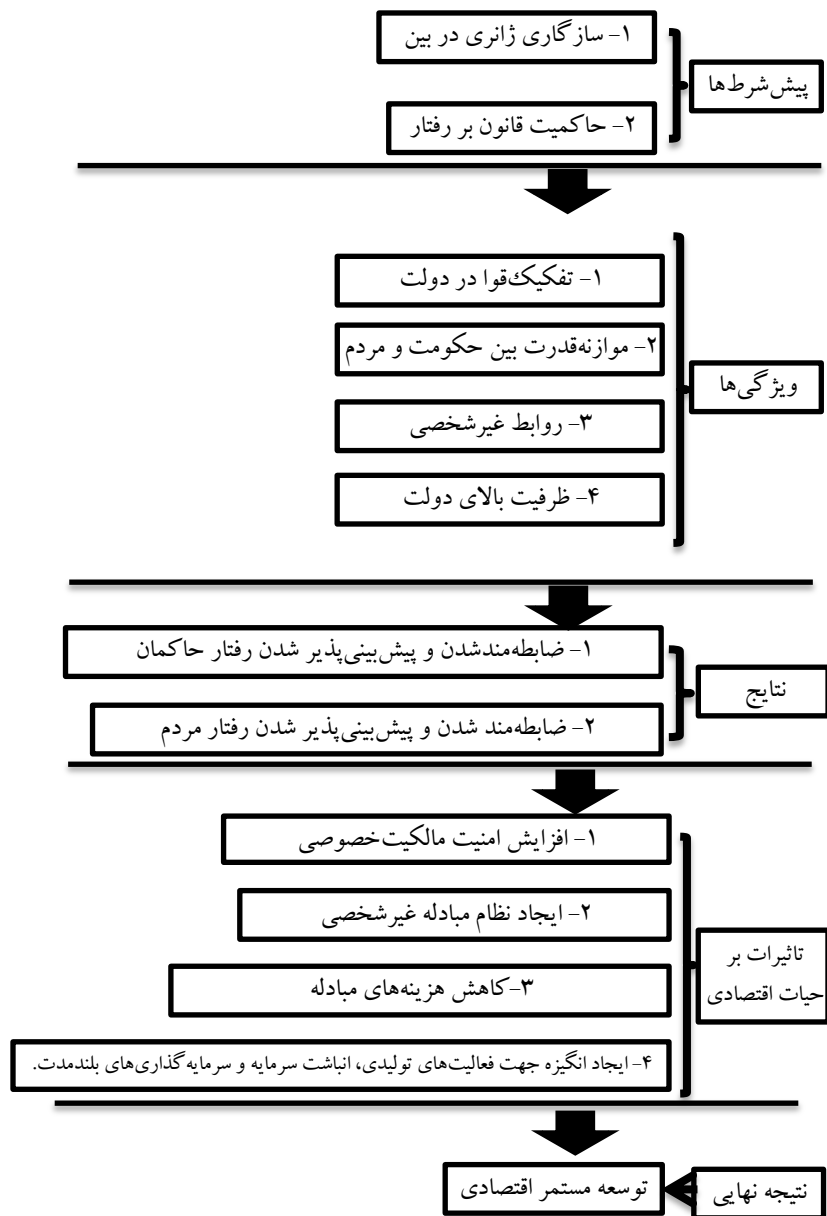
۲. مبانی نظری

نظریه‌های اولیه توسعه، رشد اقتصادی را حاصل عوامل صرفاً اقتصادی و روندی خطی می‌دانستند؛ اما به تدریج پژوهش‌ها نشان دادند که توسعه اقتصادی به‌طور غیرمستقیم با بهبود کارویژه‌های سیاسی مانند کاهش خشونت و تقویت مصالحه اجتماعی مرتبط است (Hibbs, 1973, pp. 10-35). در ادامه، تمرکز نظریه‌ها به‌سوی عوامل سیاسی و نقش نخبگان و ساختارهای نهادی تغییر یافت (بدیع، ۱۳۸۷، صص. ۴۰-۵۷). هانتینگتون توسعه سیاسی را نتیجه نهادینه‌شدن و برخورداری نظام سیاسی از تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام می‌داند (Huntington, 2006, pp. 13-24). فوکویاما نیز با تأکید بر سه رکن دولت، حاکمیت قانون و پاسخ‌گویی، توسعه سیاسی را جدا از رشد اقتصادی ممکن می‌داند و بر ضرورت اقتدار سیاسی همراه با کنترل تأکید می‌کند (فوکویاما، ۱۳۹۷، صص. ۳۴-۳۵). عجم‌اوغلو و رایینسون، نهادها را به دو نوع «فراگیر» و «بهره‌کش» تقسیم کرده و توسعه را وابسته به نهادهای فراگیر و تعامل سازنده سیاسی و اقتصادی می‌دانند. این نهادها چرخه‌های فضیلت یا ردیلت ایجاد می‌کنند و تغییر آن‌ها از مسیر بزنگاه‌های تاریخی و «تخریب خلاق» ممکن است (عجم‌اوغلو و رایینسون، ۱۳۹۵، صص. ۴۰۰-۴۴۵). در راه باریک آزادی نیز بر توازن میان اقتدار دولت و آزادی جامعه تأکید می‌شود (عجم‌اوغلو و رایینسون، ۱۴۰۱، ص. ۶۴). نورث و همکاران، دو نوع نظم اجتماعی را مطرح می‌کنند: «نظم دسترسی محدود»

با روابط شخصی و تمرکز سیاسی و «نظم دسترسی باز» با نهادهای غیرشخصی و مشارکت عمومی. گذار میان این دو از طریق ایجاد حاکمیت قانون، سازمان های پایدار و کنترل سیاسی ارتش تحقق می یابد (نورث و دیگران، ۱۴۰۱، صص. ۷۱-۷۲).

۲-۱. چهارچوب نظری پژوهش

چهارچوب نظری این پژوهش با الهام از نظریات نهادگرایی جدید به خصوص نظریات عجم اوغلو و رابینسون و داگلاس نورث ساخته شده است. برای ساخت چهارچوب نظری، باید تأکید کرد توسعه مفهومی فراگیر است که تمام ابعاد اجتماعی را دربرمی گیرد. تقسیم آن به حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صرفاً تحلیلی است و توسعه واقعی مستلزم پیشرفت همزمان در این ابعاد است. بعد سیاسی در این میان عاملیت دارد؛ چنان که هانتینگتون (۲۰۰۶) بیان می کند، فقدان تحول سیاسی می تواند توسعه را متوقف یا معکوس کند. نظریه پردازانی مانند شیلز، آلموند، هانتینگتون و فوکویاما نیز بر بُعد سیاسی توسعه تأکید دارند. تمرکز این پژوهش بر نهادهای سیاسی است که از دید نورث (۱۳۷۷؛ ۱۳۹۸) قواعد رسمی، غیررسمی و اجرایی ای هستند که مسیر توسعه را تعیین می کنند. مؤلفه های نهادهای سیاسی که در فرایند توسعه کشورها نقش دارند را می توان به صورت زیر ارائه نمود. با توجه به نسبی بودن وضعیت توسعه در کشورهای مختلف، این مؤلفه ها را می توان به صورت یک محور و طیف در نظر گرفت که در یک سوی آن مؤلفه مناسب به حال توسعه در وضعیت حداکثر قرار دارد که به صورت زیر در شکل های یک و دو نمایش داده شده است، و در سوی دیگر طیف، این مؤلفه در وضعیت حداقل قرار دارد که در شکل های سه و چهار نشان داده شده است. ارتباط بین لایه های مختلف در وهله اول به صورت یک طرفه است که در شکل با فلش پُررنگ نشان داده شده اند؛ اما ارتباط درون لایه ها به صورت متقابل است که در شکل نشان داده شده است. همان طور که در توضیحات و شکل ها آورده شده است، فرایند توسعه خود محصول عامل یگانه ای نیست بلکه نتیجه عوامل مختلفی است که برایندها منجر به توسعه یا توسعه نیافتگی یک کشور می شود. بر همین اساس با توجه به چند عاملی بودن این وضعیت در اینجا از آن ها به عنوان «چندضلعی» نام برده می شود. در ادامه با توضیح هریک از این اضلاع تلاش می شود تا این عنوان را تکمیل کنیم:



منبع: (طراحی شده توسط محققان)

شکل (۱): نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی در جوامع توسعه یافته

۲-۱-۱. ضلع اول: سازگاری / ناسازگاری ژانری ۱ در بین فرادستان

یکی از مهم‌ترین ارکان نهادهای سیاسی، میزان اجماع میان فرادستان درباره قواعد بازی سیاسی است. دو حالت خالص در این طیف، اجماع کامل یا فقدان کامل آن (تا حد جنگ داخلی) است. دلاوری (۱۴۰۱) از «سیاست تنازعی» در کشورهای در حال توسعه سخن می‌گوید که به دلیل عدم اجماع پایدار در میان نخبگان سیاسی پدید می‌آید. برای تبیین دقیق‌تر این وضعیت، می‌توان از استعاره «سازگاری / ناسازگاری ژانری» بهره گرفت. ناسازگاری ژانری به عدم تناسب و ناهمخوانی میان ویژگی‌ها، ارزش‌ها، ایده‌ها و ساختارهای مختلف در بین فرادستان در یک سیستم سیاسی اشاره می‌کند. در این وضعیت که فرادستان از نظر ایدئولوژیک و فرهنگی با یکدیگر ناسازگار هستند، احتمال بیش‌تری برای تعارض و تنازع و در نتیجه بی‌ثباتی وجود دارد. این ناسازگاری در بلندمدت باعث اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت و غیرراهبردی می‌شود. در مقابل، «سازگاری ژانری» به وضعیتی اشاره دارد که در آن، هرچند تنوع و تفاوت میان فرادستان وجود دارد؛ اما همه آن‌ها ذیل یک منطق روایی واحد یا قواعد مشترک عمل می‌کنند. در این حالت، تفاوت سبک‌ها و دیدگاه‌ها نه تنها به تعارض منجر نمی‌شود بلکه به غنای روایت سیاسی و افزایش خلاقیت در تصمیم‌گیری کمک می‌کند؛ درست مانند اثری هنری که در آن تلفیق سنجیده ژانرها به خلق اثری منسجم و اثرگذار می‌انجامد.

۲-۱-۲. ضلع دوم: تقید حاکمان نسبت به قوانین

این مؤلفه به تمایز میان حکومتی که خود را مقید به قانون می‌داند و حکومتی که فراتر از آن عمل می‌کند، اشاره دارد. دو حالت خالص آن، تقید کامل و فقدان تقید کامل است. این عنصر با تعیین حدود قدرت، نقشی بنیادین در شکل‌گیری نظم نهادی دارد. از آنجایی که دو ضلع سازگاری ژانری در بین فرادستان و تقید حاکمان نسبت به قوانین از جایگاه مهم‌تری نسبت به مؤلفه‌های دیگر برخوردارند و مقدم بر مؤلفه‌های دیگر هستند از آن‌ها به عنوان پیش‌شرط‌های توسعه یاد می‌کنیم.

۲-۱-۳. ضلع سوم: تفکیک قوا در نظام سیاسی

تفکیک قوا برای جلوگیری از تمرکز قدرت و استبداد ضروری است. در یک‌سوی طیف، نظام‌هایی قرار دارند که این اصل را اجرا می‌کنند و در سوی دیگر، نظام‌هایی که تفکیک قوا صرفاً صوری است. این بُعد نیز با ایجاد توازن و پاسخگویی میان نهادهای قدرت، زیرساختی برای توسعه فراهم می‌کند.

۲-۱-۴. ضلع چهارم: موازنه قدرت در بین حکومت و جامعه

یکی از عوامل حیاتی پاسخگویی حکومت‌ها، وجود جامعه‌ای قوی و مطالبه‌گر است (عجم‌اوغلو و رایبسون، ۱۴۰۱). این طیف شامل جوامع با موازنه قدرت تا جوامع تحت سلطه کامل حکومت است.

۲-۱-۵. ضلع پنجم: روابط غیرشخصی در مقابل روابط شخصی

در نظام‌هایی با روابط شخصی، ساختار بر پایه رفاقت و ارادت شکل می‌گیرد که منجر به فساد و رانت می‌شود. در مقابل، روابط غیرشخصی بر اساس ضابطه و شایسته‌سالاری شکل می‌گیرد و پیش‌بینی‌پذیری، عدالت و کارآمدی را افزایش می‌دهد.

۲-۱-۶. ضلع ششم: ظرفیت دولت

ظرفیت دولت به توانایی آن در اجرای سیاست‌های کلان و ارائه خدمات عمومی اشاره دارد. استقلال دیوان‌سالاری، توانایی در استخراج منابع و تدوین سیاست‌ها، از عناصر این ظرفیت‌اند. دولت‌های فاقد ظرفیت، توان برنامه‌ریزی و توسعه را از دست می‌دهند. با توجه به این شش ضلع ارائه شده، درنهایت در جامعه دو خصیصه و یا دو محور ظهور می‌کند:

۱- میزان ضابطه‌مندی یا پیش‌بینی‌پذیری رفتار حاکمان،

۲- میزان پیش‌بینی‌پذیری رفتار مردم.

وضعیت کشورها در محورهای شش‌گانه و برآیند آن‌ها در دو محور پیش‌بینی‌پذیری یا پیش‌بینی‌ناپذیری که قبلاً ذکر شد، منجر به تأثیرگذاری در عرصه اقتصاد می‌شود. به

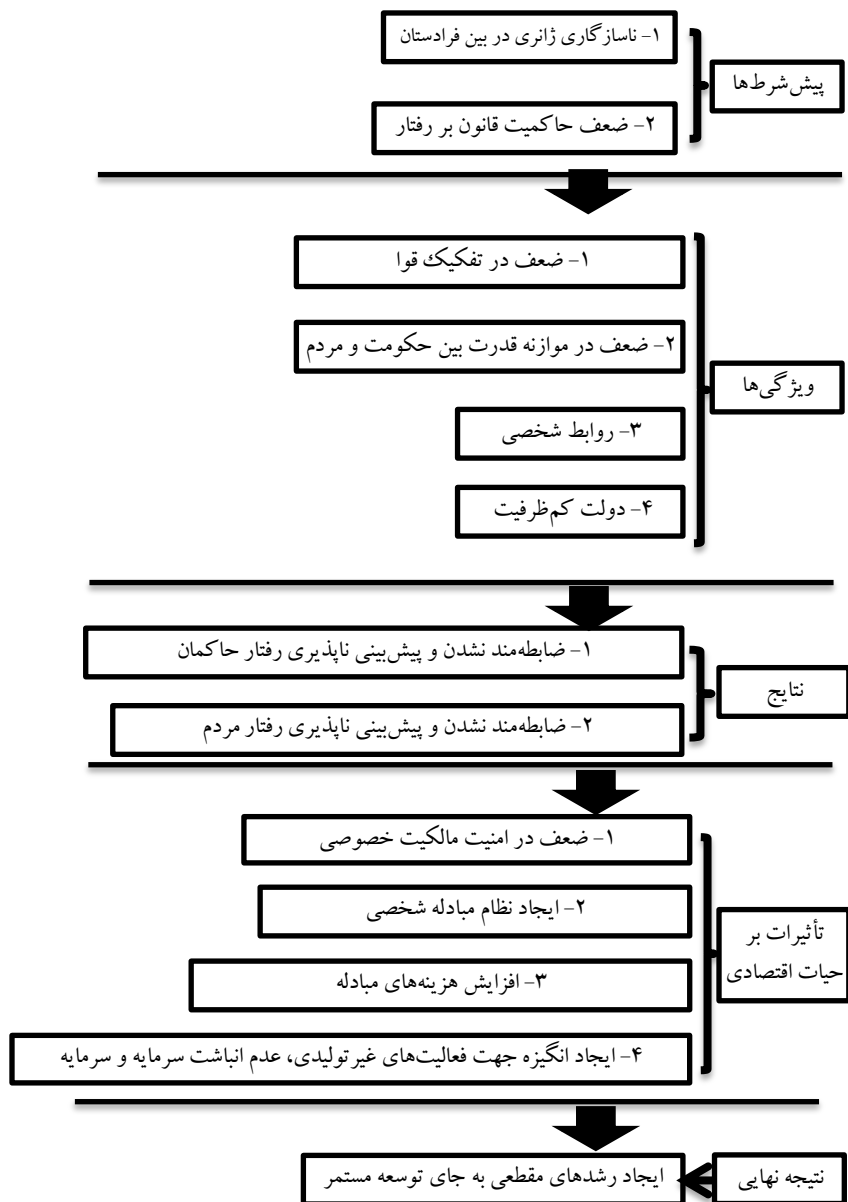
تناسب بهره‌مندی از میزان و شدت ویژگی‌های این محورها، حیات اقتصادی نیز شکل می‌گیرد و از ویژگی‌های زیر برخوردار می‌شود:

۱- امنیت مالکیت خصوصی: نهادهای سیاسی تعیین‌کننده حقوق مالکیت و اجرای آن هستند (نورث، ۱۳۹۷، صص. ۱۷۱ و ۲۱۸).

۲- نظام مبادله غیرشخصی / شخصی: گذار از روابط شخصی به ساختارهای غیرشخصی، گرچه هزینه‌بر؛ اما اساس رشد اقتصادی نوین است (نورث، ۱۳۹۸، صص. ۱۵۹ و ۲۱۳).

۳- کاهش / افزایش هزینه‌های مبادله: ساختار نهادی مناسب هزینه‌های مبادله را کاهش داده و شفافیت و کارآمدی را افزایش می‌دهد.

۴- ایجاد انگیزه جهت فعالیت‌های تولیدی، انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت / فعالیت‌های توزیعی و رانتی، عدم‌انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت: ساختار نهادی نوع مهارت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و تمایلات اقتصادی را تعیین می‌کند. در نظام‌هایی با نهادهای ناکارآمد، فعالیت‌های رانتی جای فعالیت‌های تولیدی را می‌گیرند. در ادامه می‌توان نقش نهادهای سیاسی بر توسعه اقتصادی در جوامع در حال توسعه را نیز به صورت زیر ترسیم کرد:



منبع: (طراحی شده توسط محقق)

شکل (۲): نقش نهادهای سیاسی بر توسعه اقتصادی در جوامع در حال توسعه

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تطبیقی کیفی است و با هدف بررسی مشکلی در فرایند توسعه ایران انجام شده است. این مطالعه همچنین با تبیین مسئله و بررسی نظام‌مند آن، به گسترش دانش موجود می‌پردازد. داده‌ها از طریق روش اسنادی - کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب مانند کتاب‌ها، مقالات، اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها و خاطرات گردآوری می‌شوند.

۳-۱. تعریف عملیاتی مفاهیم پژوهش

برای سنجش مفاهیم، باید آن‌ها را به صورت عملیاتی تعریف کرد تا قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشند. در این پژوهش، شش مفهوم اصلی با توجه به مبانی نظری و چهارچوب مفهومی، عملیاتی‌سازی شده‌اند. با توجه به هم‌پوشانی مفاهیم، تلاش شده شاخص‌ها به صورت دقیق تفکیک و در نزدیک‌ترین متغیر دسته‌بندی شوند. این شاخص‌ها از مطالعات پیشین، به‌ویژه آن‌هایی که در تدوین چهارچوب نظری بررسی شده‌اند، استخراج شده‌اند.

جدول (۱): تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها
۱	روابط بین فرادستان	انسجام و ساختار درونی نخبگان	سنت‌های اعمال اقتدار نخبگان
			چنددستگی‌های مصالحه‌ناپذیر میان نخبگان
			میزان پذیرش قواعد بازی سیاسی
			طبع نخبگان حاکم (انعطاف‌پذیری یا انحصارطلبی)
	الگوهای رقابت و توزیع قدرت		ماهیت رقابت سیاسی و میزان تنش در آن
			چالش بر سر قدرت میان گروه‌های نخبه
			شیوه انتقال قدرت
			اعتبار انتخابات نزد نخبگان
	مشروعیت و نمایان‌گری ساختار		نگرش به رقابت: بازی حاصل جمع صفر یا غیرصفر
			مشروعیت طبقه حاکم از دید سایر نخبگان
			شکاف‌های قومی، دینی، طبقاتی در ساختار دولت

ردیف	متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها
		قدرت	بازنمایی گروه‌های اجتماعی در ساخت قدرت
		نگرش نخبگان به	نگرش نخبگان به مشارکت سیاسی مردم
		حقوق سیاسی	حق انتخاب دولت توسط شهروندان
		شهروندان	نگرش به آزادی بیان، تجمع، رسانه‌ها
۲	وضعیت تبعیت فراستان از قوانین	استقلال و کارآمدی قوه قضائیه	استقلال قوه قضائیه از بازی‌های سیاسی
			امنیت قضات در برابر فشارهای سیاسی یا قدرت‌های دیگر
			روش انتصاب قضات: شایسته‌سالار یا سیاسی
		برداشت عمومی و نخبگانی از سلامت قوه قضائیه	درک عمومی از استقلال دستگاه قضائی
			دیدگاه وکلا و دانشگاهیان درباره استقلال قضائی
			تصورات فساد یا نفوذ ناروا در قوه قضائیه
			ارزیابی رفتار قضائی در پرونده‌های حساس سیاسی
		پاسخگویی طبقه حاکم در برابر قانون	شفافیت و پاسخگویی طبقه حاکم
			شهرت مثبت یا منفی فراستان در پابندی به قانون
			تمایل به تسلیم شدن به تصمیمات قضایی
		فساد سیاسی در طبقه حاکم	میزان فساد در طبقه حاکم
			برداشت عمومی از فساد نخبگان
۳	تفکیک قوا	تعریف و تحدید اختیارات و مسئولیت‌های قوا	
			قوه مقننه: تصویب یا رد بودجه، استیضاح وزرا یا رئیس‌جمهور، و تأیید برخی انتصابات
		سازوکارهای کنترل و توازن	قوه مجریه: صدور دستورات اجرایی، اعمال حق وتو، و پیشنهاد قضات
			قوه قضائیه: بررسی قضائی قوانین و تصمیمات اجرایی و اعلام مغایرت آن‌ها با قانون اساسی

ردیف	متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها
		قانونمند بودن فرایند اصلاح اختیارات قوا	...
۴	توازن قدرت حکومت و جامعه	آگاهی مدنی	سواد مدنی
			آموزش عمومی باکیفیت
		عدالت اجتماعی و اقتصادی	توازن بهره‌مندی از خدمات دولتی میان نخبگان و افشار مختلف مردم
		آزادی رسانه و شفافیت	مطبوعات آزاد، تنوع مالکیت رسانه‌ها و دسترسی آزاد به اطلاعات دولتی
			نبود سانسور و تضمین حقوق رسانه‌ها
		حکمرانی نظامی	استفاده داخلی از ابزار نظامی برای سرکوب سیاسی و حذف رقبا
		فرایندهای انتخاباتی آزاد و منصفانه	انتخابات عادلانه، رقابتی و با نظارت نهادهای مستقل وجود احزاب آزاد و مستقل و سازمان‌های غیردولتی اثرگذار
			توزیع قدرت به ایالت‌ها یا مناطق محلی
۵	حاکمیت روابط شخصی / غیرشخصی	ویژگی‌های نظام اداری و مدیریتی کشور	فرایندهای اداری شفاف، تخصص‌محور و مبتنی بر قانون
			ملاک‌ها نحوه استخدام در سازمان‌های اداری و دولتی
			استقلال یا وابستگی بوروکرات‌ها از ملاحظات سیاسی و شخصی
			ملاک‌های انتخاب افراد در جایگاه‌های مدیریتی
			سوءاستفاده از موقعیت شغلی برای منافع شخصی یا گروهی، پارتی‌بازی، تبعیض در استخدام و تخصیص منابع
۶	ظرفیت دولت	ظرفیت بوروکراتیک	بوروکراسی کارآمد، حرفه‌ای و غیرسیاسی
			هماهنگی سازمانی و بین‌بخشی
		زیرساخت‌ها و	تأمین زیرساخت‌های اساسی (حمل‌ونقل، انرژی،

ردیف	متغیر	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها
		خدمات عمومی	ارتباطات)
		توان مالی دولت و	توانایی دولت در جمع‌آوری مالیات
		استقلال نهادی	استقلال نسبی دولت از گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار
		تأمین امنیت داخلی	توانایی دولت در اعمال انحصاری و قانونی خشونت، تأمین امنیت عمومی و مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی

منبع: (طراحی شده توسط محقق)

۲-۳. تکنیک پژوهش

با توجه به ماهیت تاریخی پژوهش و تمرکز بر نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی، از روش تاریخی و روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه‌فازی (fsQCA) استفاده شده است. این روش برای مطالعات با حجم نمونه کم مناسب است و علل را به‌صورت هم‌زمان، هم‌پایه و نامتقارن تحلیل می‌کند. مجموعه‌های فازی برخلاف مجموعه‌های کلاسیک، درجات عضویت بین ۰ و ۱ را در نظر می‌گیرند (Ragin, 2007, pp. 15-20). در این پژوهش، طیف ۶ ارزشی برای ارزیابی عضویت شامل عضویت کامل (۱)، بیش‌تر عضو (۰٫۸)، کم‌وبیش عضو (۰٫۶)، کم‌وبیش غیرعضو (۰٫۴)، بیش‌تر غیرعضو (۰٫۲) و کاملاً غیرعضو (۰) به‌کار رفته است.

فرایند تحلیل با کالیبراسیون داده‌ها بر اساس دانش نظری و تجربی محقق انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که نمرات عضویت با تخصیص اولیه و اصلاح بر اساس داده‌های بازه‌ای تعیین می‌شوند. سپس مجموعه‌های فازی برای متغیر وابسته (توسعه اقتصادی) و متغیرهای مستقل ساخته شده و تحلیل نهایی انجام می‌شود. توسعه اقتصادی در این پژوهش شامل افزایش درآمد و رفاه مردم، توزیع عادلانه، و فراهم‌سازی بستر امن و باثبات برای فعالیت اقتصادی است. شاخص‌های آن شامل تولید ناخالص داخلی، فقر، نابرابری، درآمدسرانه، بیکاری و امید به زندگی است. به‌دلیل نبود داده‌های دقیق اقتصادی در دوره تاریخی مورد بررسی، از توصیف‌های محققان درباره وضعیت

اقتصادی آن دوره استفاده شده و مجموعه فازی توسعه اقتصادی مطابق جدول مربوطه تحلیل می شود.

جدول (۲): مجموعه فازی توسعه نیافتگی اقتصادی (نتیجه)

ردیف	گویه ها	عدد اختصاص داده شده
۱	وضعیت مطلوب اقتصادی اصلاً وجود ندارد و کشور در بدترین وضع اقتصادی قرار دارد.	۱
۲	وضعیت مطلوب اقتصادی وجود ندارد اما نه کاملاً	۰,۸
۳	وضعیت اقتصادی کم و بیش مطلوب نیست	۰,۶
۴	وضعیت اقتصادی کم و بیش مطلوب است	۰,۴
۵	وضعیت اقتصادی مطلوب است اما کامل نیست	۰,۲
۶	وجود وضعیتی مطلوب از نظر سطح رفاه مردم، توزیع عادلانه، و بستر امن و باثبات برای فعالیتهای اقتصادی	۰

منبع: (طراحی شده توسط محقق)

با تعیین مجموعه فازی توسعه نیافتگی اقتصادی (نتیجه مورد بررسی)، سپس متغیرهای مستقل که این نتیجه را ایجاد می کنند و نفی آن (شرایط توسعه یافتگی) تحلیل می شود. بر اساس چهارچوب نظری، عوامل مؤثر در توسعه یافتگی یا نیافتگی شامل سازگاری / ناسازگاری ژانری نخبگان، تبعیت فرادستان از قوانین، تفکیک قوا در دولت، توازن قدرت میان دولت و جامعه، حاکمیت روابط شخصی و ظرفیت دولت است. جدول زیر کالبراسیون این عوامل را نشان می دهد.

جدول (۳): مجموعه های فازی متغیرهای مستقل

ردیف	عامل	گویه ها	نمره
۱	ناسازگاری ژانری	بی ثباتی و هرج و مرج کامل سیاسی	۱
		غلبه سیاست تعارضی و جنگ داخلی	۰,۸
		سلطه یک جریان خاص بر عرصه سیاست و حذف جریان های دیگر از عرصه سیاست	۰,۶
		سیاست تنازعی کم و بیش جایگاهی ندارد	۰,۴
		سیاست تنازعی در اکثر موارد جایگاهی ندارد	۰,۲

ردیف	عامل	گویه‌ها	نمره
		سیاست تنازعی در کشور جایگاهی ندارد	۰
۲	ضعف تبعیت فراستان از قانون	فراستان به هیچ قانونی پایبند نیستند	۱
		فراستان قانون را برای فروستان به‌صورت مستمر و باثبات اجرا می‌کنند اما خود را مستثنی می‌دانند	۰٫۸
		فراستان کم‌وبیش از قانون تبعیت نمی‌کنند	۰٫۶
		فراستان کم‌وبیش از قانون تبعیت می‌کنند	۰٫۴
		فراستان اکثراً از قانون تبعیت می‌کنند	۰٫۲
		فراستان کاملاً از قانون تبعیت می‌کنند	۰
۳	ضعف در تفکیک قوا	تفکیک قوا اصلاً رعایت نمی‌شود.	۱
		یک قوه به‌صورت عملی تسلط دارد و قوای دیگر حضوری نمایشی دارند.	۰٫۸
		تحت تأثیر فضای هرج و مرج و بی‌نظمی سیاسی قوای مختلف هرکدام ادعای قدرت دارند.	۰٫۶
		تفکیک قوا کم‌وبیش رعایت می‌شود	۰٫۴
		تفکیک قوا اکثراً رعایت می‌شود	۰٫۲
		تفکیک قوا کاملاً رعایت می‌شود	۰
۴	ضعف در توازن قدرت	دولت بر مردم و جامعه تسلط کامل دارد	۱
		دولت از طریق منابع قدرت خود و ضعف جامعه مدنی اکثراً بر جامعه برتری دارد	۰٫۸
		دولت کم‌وبیش بر جامعه مسلط است	۰٫۶
		جامعه کم‌وبیش بر دولت مسط است	۰٫۴
		جامعه اکثراً بر دولت برتری دارد	۰٫۲
		جامعه کاملاً بر دولت برتری دارد	۰
۵	حاکمیت روابط شخصی	همه امور سیاسی به واسطه روابط شخصی انجام می‌شود	۱
		اکثر امور سیاسی به واسطه روابط شخصی انجام می‌شود	۰٫۸
		روابط شخصی کم‌وبیش در امور سیاسی کاربرد دارد	۰٫۶

ردیف	عامل	گویه‌ها	نمره
		روابط شخصی کم و بیش در امور سیاسی کاربرد ندارد	۰,۴
		روابط شخصی اکثراً در امور سیاسی کاربرد ندارد	۰,۲
		روابط شخصی اصلاً در امور سیاسی کاربرد ندارد	۰
۶	ضعف در ظرفیت دولت	دولت فاقد هرگونه ظرفیتی است.	۱
		دولت اکثراً فاقد هرگونه ظرفیتی است	۰,۸
		دولت کم و بیش فاقد هرگونه ظرفیتی است	۰,۶
		دولت کم و بیش دارای ظرفیت است	۰,۴
		دولت اکثراً دارای ظرفیت است	۰,۲
		دولت کاملاً دارای ظرفیت است	۰

منبع: (طراحی شده توسط محقق)

برای تعیین میزان عضویت در مجموعه‌های فازی، امتیازات شاخص‌ها با اتکا به اسناد تاریخی، خاطرات، و منابع علمی تعیین می‌شود. چالش اصلی در fsQCA، نمره‌دهی مبتنی بر استنباط محقق است که نقدهای زیادی داشته و هنوز راه‌حل قطعی برای آن ارائه نشده است. در این پژوهش، ابتدا نمرات اولیه بر اساس تحلیل منابع تعیین و سپس برای اعتبارسنجی به سه استاد خبره ارائه شده است؛ پس از رفع اختلافات احتمالی، میانگین نمرات نهایی استفاده شده است. برای ارتقای روایی، علاوه بر منابع معتبر از نظر خبرگان بهره گرفته و با بازخوانی داده‌ها و رجوع به مبانی نظری، اعتبار مفهومی تقویت شده است. همچنین با مستندسازی دقیق مراحل، پایایی و شفافیت روش حفظ شده است. پس از تشکیل جدول صدق، داده‌ها در نرم‌افزار FsQCA تحلیل و ترکیب‌های علی مرتبط با متغیر نتیجه، بر پایه شاخص‌های سازگاری و پوشش ارزیابی می‌شوند. مطابق فرمول ارائه شده توسط راگین (۲۰۰۷):

$$\text{سازگاری } (Xi \leq Yi) = \Sigma(\min(Xi, Yi)) / \Sigma(Xi)$$

در این فرمول، Xi امتیاز عضویت در ترکیب علی و Yi امتیاز عضویت در نتیجه است. شاخص «سازگاری» بیانگر میزان انطباق نظری میان شرط علی و نتیجه است، یعنی تا چه اندازه شروط، زیرمجموعه نتیجه تلقی می‌شود. درمقابل، شاخص «پوشش»

میزان اهمیت تجربی شرط علی در وقوع نتیجه را مشخص می‌کند و به‌نوعی مکمل شاخص سازگاری است (Ragin, 2007, pp. 10-20).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های تاریخی - تحلیلی

اکنون با توجه به شاخص‌سازی که انجام شد و به کمک روش پژوهش، شواهد تاریخی را در خصوص متغیرهای پژوهش (عوامل و نتایج پژوهش) بررسی می‌کنیم و وضعیت هریک را ارائه می‌کنیم:

۱- روابط بین فرادستان: پس از انقلاب مشروطه، با وجود تلاش نیروهای مشروطه‌خواه، ساختار دولت مطلقه بازتولید شد و نخبگان جدید، عمدتاً با گرایش‌های انحصارطلبانه، جایگزین نخبگان سنتی پیشین گردیدند (کسروی، ۱۳۲۳، ص. ۳۶۷). فضای سیاسی این دوره متأثر از شکاف‌های عمیق میان نخبگان بود؛ برخی خواستار اصلاحات و مدرنیزاسیون و برخی دیگر مدافع اقتدارگرایی سنتی بودند (Afary, 1996, pp. 89-140). رخدادهایی چون به‌توپ‌بستن مجلس توسط محمدعلی شاه، نشانه‌ای از تعارضات شدید و فقدان اجماع نخبگانی بر سر قواعد بازی سیاسی است (اسناد مجلس، ج ۴، سند ۲۲۴). تصویب قانون اساسی ۱۲۸۵ و متمم آن در ۱۲۸۶، چهارچوبی قانونی برای مشارکت سیاسی فراهم آورد؛ اما پذیرش عملی آن در میان نخبگان محدود باقی ماند و ساخت قدرت همچنان بر انحصار استوار بود (Keddie, 2003, pp. 58-72؛ آرشیو ملی ایران، سند ۱۲۳). رقابت سیاسی عمدتاً با خشونت همراه بود و انتخابات به‌دلیل مداخلات گسترده، فاقد کارکرد واقعی دموکراتیک تلقی می‌شد (Afary, 1996, pp. 275-322). نگرش حاصل‌جمع صفر بر رفتار نخبگان مسلط بود و کنش‌هایی نظیر ترور و حذف فیزیکی مخالفان مشروعیت یافت (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ص. ۸۲؛ اداره تفتیشیه نظمیه، پرونده ۱۳۰۰/۲۱۱). درعین‌حال، با وجود گسترش قانون‌گرایی، گروه‌های مهمی همچون زنان، گروه‌های محلی و ایلات و طبقات فرودست از مشارکت مؤثر در ساختارهای نمایندگی محروم ماندند (Afary, 1996, p. 193). تحلیل مجموعه شرایط مذکور، نشانگر غلبه ویژگی‌های ناسازگار در روابط نخبگانی این دوره است. بر همین اساس، وضعیت مجموعه

فازی روابط بین فرادستان در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰، با نمره ۰٫۸ (بیش‌تر عضو اما نه کامل) برآورد شده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، شکل‌گیری دولت متمرکز پهلوی با تمرکز قدرت در دست شاه و شبکه‌ای از نخبگان نظامی و بوروکرات همراه بود (مهدوی، ۱۳۸۵، صص. ۷۵-۹۵). رویکرد دولت رضاشاه مبتنی بر حذف نخبگان مستقل، سرکوب مطبوعات و تضعیف نهادهای نمایندگی، موجب غلبه الگوی اقتدارگرایانه بر نظم سیاسی شد (Abrahamian, 2008, pp. 140-170). انتخابات مهندسی‌شده، ساختار فرمایشی مجلس و نظارت شدید بر نهادهای مشارکت سیاسی را به سطحی صوری و کنترل‌شده تقلیل داد. نخبگان حاکم در این دوره، عمدتاً اقتدارگرا و محافظه‌کار بوده و ساخت قدرت را از طریق حذف رقبا، اعمال قهرآمیز و تمرکزگرایی پی‌ریزی کردند. واکنش سخت دولت به اعتراضات اقلیت‌های قومی و محدودسازی مشارکت سیاسی، از نشانه‌های بارز وضعیت ناسازگار در سطح نخبگانی است (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۰۸). بر همین مبنا، وضعیت روابط بین فرادستان در این بازه زمانی نیز به عنوان مصداق ناسازگاری ژانری تحلیل شده و نمره فازی ۰٫۶ (کم‌ویش عضو) به آن اختصاص یافته است.

۲- **تقید حاکمان نسبت به قوانین:** دوره ۱۲۸۵-۱۳۰۰ آغازگر تلاش برای نوسازی حقوقی و نهادینه‌سازی حاکمیت قانون در ایران بود. اما استقلال قوه قضائیه در عمل تحت تأثیر نفوذ دربار قاجار و ساختارهای غیرکارآمد سیاسی باقی‌ماند (بشیریه، ۱۳۸۷، صص. ۶۳-۶۶). انتصاب قضات بر مبنای رابطه‌گرایی و نفوذ سیاسی انجام می‌شد و نظام شایسته‌سالاری عملاً غایب بود (دلاوری، ۱۴۰۱، ص. ۴۷). محاکم عدلیه و دیوان تمیز از ضعف آموزش قضائی، نفوذ خارجی و دیوان‌سالاری ناکارآمد رنج می‌بردند. فشارهای سیاسی، بی‌ثباتی امنیتی و مداخلات قوای نظامی، استقلال قضات را محدود می‌کرد (بشیریه، ۱۳۸۷، صص. ۶۳-۶۶). فساد ساختاری و دخالت مستقیم قدرت‌های خارجی، به‌ویژه بریتانیا و روسیه، در احکام و انتصابات قضائی قابل توجه بود (مخبرالسلطنه، ۱۳۷۵، صص. ۱۹۰-۲۱۳؛ تقی‌زاده، ۱۳۶۸، صص. ۸۵-۱۰۰). در پی انحلال مجلس اول، افکار عمومی نسبت به بی‌طرفی دستگاه قضائی بدبین شد و آن را ابزار دربار و بیگانگان

می‌دانست. نخبگان اصلاح طلب نیز از دخالت‌های غیرقانونی در نظام قضا انتقاد می‌کردند (کسروی، ۱۳۲۳، صص. ۴۴۷-۴۵۰). دستگاه قضا در پرونده‌های سیاسی اغلب منفعل یا جانبدارانه عمل می‌کرد. با وجود آغاز پاسخگویی برخی رجال در برابر مجلس، این روند نهادینه نشد. ضعف اجرای احکام علیه مقامات، تحت تأثیر فشارهای درباری یا خارجی، بر بی‌اعتمادی عمومی افزود. در مجموع، فساد سیاسی، بی‌ثباتی اداری و فقدان اقتدار یکپارچه قانونی، مانع از تحقق عملی حاکمیت قانون شد (آبراهامیان، ۱۳۸۶، صص. ۱۱۷-۱۲۵)؛ بنابراین، محقق میزان تبعیت فرادستان از قانون را بسیار ضعیف ارزیابی کرده و در این دوره به این مجموعه فازی نمره ۱ (عضویت کامل) اختصاص می‌یابد.

در دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۰، با ورود علی‌اکبر داور و تأسیس عدلیه نوین، گام‌هایی در راستای تخصص‌گرایی و اصلاح ساختاری دستگاه قضا برداشته شد؛ اما تمرکزگرایی رضاشاهی، استقلال آن را تضعیف کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که از اواخر دهه ۱۳۱۰، شهربانی در انتصابات قضائی نفوذ چشمگیری یافت (فروغی، ۱۴۰۳، ص. ۴۴۴)، و اختیارات انضباطی وزیر عدلیه افزایش یافت که امنیت شغلی قضات را کاهش داد. در پرونده‌هایی چون گروه ۵۳ نفر، نهادهای امنیتی مستقیماً در فرایند دادرسی دخالت داشتند (آبراهامیان، ۱۳۸۶، صص. ۱۹۱-۲۰۳). رسانه‌ها و افکار عمومی دادگاه‌ها را فاقد بی‌طرفی و تحت فشار سیاسی می‌دانستند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۷؛ فروغی، ۱۴۰۳، صص. ۴۸۰-۴۸۵). فساد قضائی، رشوه‌گیری، و نفوذ سیاسی در دستگاه قضا از سوی منابع داخلی و خارجی گزارش شده است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهند که قوه قضائیه عملاً در خدمت تثبیت قدرت استبدادی و کنترل حکومتی قرار گرفت (Milani, 1994, pp. 25-27). قدرت بدون نظارت، فساد ساختاری و اداری را تعمیق بخشید و برداشت عمومی از فساد طبقه حاکم را تشدید کرد (Cronin, 2003, pp. 97-100). محقق، با در نظر گرفتن تضعیف استقلال قضا، تمرکز قدرت و ضعف پاسخگویی، میزان تبعیت فرادستان از قانون را ضعیف ارزیابی کرده و در این دوره به این مجموعه فازی نمره ۰٫۸ (بیش‌تر عضو اما نه کامل) اختصاص می‌دهد.

۳- تفکیک قوا در نظام سیاسی: با تصویب قانون اساسی و متمم آن پس از انقلاب مشروطه، تلاش‌هایی برای نهادینه‌سازی تفکیک قوا و ایجاد سازوکارهای حکمرانی

پاسخگو آغاز شد (آبراهامیان، ۱۳۸۶، صص. ۱۱۳-۱۱۷). با وجود تصریح اصولی چون ۲۷ و ۲۱ متمم قانون اساسی بر ضرورت تصویب قوانین توسط مجلس و مسئولیت وزرا، در عمل ساختار سلطنتی به شدت در برابر این نهادها مقاومت نشان داد (قانون اساسی مشروطه، ۱۲۸۵). اسناد دوره استبداد صغیر مانند فرمان انحلال مجلس (۱۲۸۷ش) و اعزام قوای قزاق (آرشیو ملی، سند ۴۶۷۸/ق) مؤید بی‌اعتنایی به این اصول است. گزارش‌هایی چون خاطرات سنجابی (۱۳۶۸) و کسروی (۱۳۲۴) نیز بر تداوم اقتدارگرایی سلطنت و ضعف عملی تفکیک قوا دلالت دارند. اگرچه اصولی نظیر ۸۲ استقلال قضات را تضمین می‌کرد، درواقع وزارت عدلیه در انتصابات دخالت مستقیم داشت (Ghani, 2008, pp. 56-57). صورت مذاکرات مجلس اول و دوم (اسناد مجلس، ج ۱-۳) و تحلیل‌های ملک‌زاده (۱۳۲۸) گویای ناکارآمدی نظارت مجلس بر قوه مجریه و استمرار نفوذ عناصر سستی است. به‌رغم الزامات قانونی برای تصویب اصلاحات توسط مجلس، بسیاری از تغییرات نهادی تحت فشار نظامی یا به‌صورت متمرکز اعمال شد. ازاین‌رو، در این دوره نیز تسلط عملی یک قوه و نقش نمایشی قوای دیگر مشهود است و برای مجموعه فازی آن، نمره ۰٫۸ اختصاص می‌یابد.

در فاصله ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش، تمرکز قدرت در نهاد سلطنت شدت یافت. اگرچه ساختارهای قانونی مشروطه حفظ شدند، استقلال نهادی تضعیف گردید. بر اساس خاطرات فروغی و منابع دیگر، مجلس غالباً در جریان امور قرار می‌گرفت؛ اما نقشی مؤثر نداشت (عاقلی، ۱۴۰۳، صص. ۱۸۵-۱۸۸). قوه قضائیه نیز استقلال نداشت و قضات به‌طور مستقیم توسط دولت منصوب و معزول می‌شدند (کدی، ۱۳۸۶، صص. ۱۳۰-۱۳۵). کنترل امنیتی بر مجلس مانع ایفای نقش واقعی نمایندگان بود. طرح‌های اجرایی نظیر ساخت راه‌آهن یا اصلاحات اداری بدون طی فرایند تقنینی به اجرا درمی‌آمدند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۸، جلسه ۴۳). این روند نشان‌دهنده بی‌اثربودن سازوکارهای قانونی و حاکمیت یک‌جانبه قوه مجریه است. درنتیجه، این دوره نیز از منظر تسلط یک قوه و نقش صوری سایر قوا، نمره ۰٫۸ در مجموعه فازی دریافت می‌کند.

۴- موازنه قدرت بین حکومت و جامعه: با پیروزی مشروطه، مفاهیمی نظیر حقوق شهروندی، آزادی مطبوعات و آموزش نوین وارد گفتمان سیاسی شدند و تلاش شد از

این طریق، جامعه در برابر دولت تقویت شود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، صص. ۲۵۰-۳۰۰). با وجود تأسیس وزارت معارف در ۱۲۹۰ و رشد مدارس، طبق گزارش روزنامه «تمدن» (۱۲۹۱)، تنها نیمی از کودکان شهری به آموزش دسترسی داشتند. همچنین اسناد مختلف از نابرابری شدید در توزیع خدمات عمومی میان مناطق مرکزی و پیرامونی حکایت دارند (Cronin, 2007, pp. 45-47). مطبوعات متنوعی شکل گرفتند؛ اما با استبداد صغیر، سانسور، توقیف و فشار بر آن‌ها شدت گرفت (اسکندری، ۱۳۵۸، صص. ۷۰-۹۰). در این دوره، ارتش ابزار اصلی سرکوب سیاسی بود؛ نمونه‌های بارز آن، به توپ بستن مجلس و کودتای ۱۲۹۹ است. انتخابات نیز با دخالت‌های گسترده نهادهای امنیتی همراه بود (ندای وطن، ۱۲۹۴). در کنار رشد تشکلهای سیاسی و مدنی، نگاه حاکمیت به این نهادها منفی بود و تمرکزگرایی، مانع از رسمیت‌یافتن قدرت‌های محلی شد. در مجموع، هرچند تلاش‌هایی برای تقویت جامعه صورت گرفت؛ اما ضعف ساختاری دولت و غلبه سنت اقتدارگرا مانع تثبیت این روند شد. براین‌اساس، در این دوره دولت کم‌وبیش بر جامعه تسلط داشته است و به این مجموعه فازی نمره ۰,۶ (کم‌وبیش عضو) اختصاص می‌یابد.

در دوره ۱۳۰۰-۱۳۲۰، گرچه نهادهایی نظیر ارتش، آموزش و قضا تقویت شدند؛ اما تمرکز قدرت و سرکوب سیاسی نیز به اوج رسید. ایجاد دانشگاه تهران و اعزام دانشجو به اروپا نشانگر نوسازی آموزشی است؛ اما بر اساس گزارش رسمی (۱۳۱۶)، نرخ سواد در مناطق عشایری کم‌تر از ۳ درصد بود. خدمات عمومی عمدتاً در تهران متمرکز ماندند. سانسور شدید مطبوعات، توقیف نشریات و نظارت مستقیم شهرداری بر محتوای آن‌ها از ویژگی‌های بارز این دوره است. ارتش در کنترل مخالفان و اقلیت‌ها به‌کار گرفته شد (Cronin, 2003, pp. 82-87). انتخابات دوره‌های هشتم تا دوازدهم زیر نظر دولت برگزار شد و فعالیت حزبی پس از ۱۳۰۸ عملاً متوقف گردید. ساختار سیاسی، تمرکزگرا و اقتدارمحور بود و تمامی تصمیمات مهم از مرکز اتخاذ می‌شد (گزارش کمیسیون تقسیمات کشوری، ۱۳۱۶). در مجموع، علی‌رغم نوسازی نهادی، دولت در این دوره اکثراً بر جامعه مسلط بود و نمره ۰,۸ به این مجموعه فازی اختصاص می‌یابد.

۵- روابط شخصی در مقابل روابط غیر شخصی: تصویب قانون اساسی ۱۲۸۵ و متمم آن، نظام اداری مبتنی بر قانون را پایه‌ریزی کرد؛ اما اجرای آن با فساد و نفوذ اشراف ادامه یافت. تا پیش از قانون استخدام کشوری ۱۳۰۱، انتصاب‌ها بر اساس خویشاوندی و ملاحظات قبیله‌ای انجام می‌شد. روزنامه «مجلس» (۱۲۸۷) گزارش می‌دهد که مناصب بدون توجه به صلاحیت‌ها داده می‌شد و بوروکرات‌ها برای حفظ جایگاه خود به حمایت گروه‌های قدرت وابسته بودند. دخالت شاهزادگان در انتصابات نیز مستند شده است (سازمان اسناد ملی ایران، مجموعه وزارت داخله، ۱۲۹۳). این وضعیت باعث ناکارآمدی گسترده مدیریتی شد (Azimi, 2008, pp. 30-34). اسناد متعدد از فساد، اختلاس و رشوه‌گیری حکایت دارند (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ص. ۲۵۷) و تبعیض در استخدام، نخبگان فاقد رابطه را از مشارکت محروم کرد. داده‌های مجلس دوم نشان‌دهنده تسلط خاندان‌های خاص بر ادارات است؛ بنابراین، در این دوره همه امور سیاسی مبتنی بر روابط شخصی بود و محقق نمره ۱ (کاملاً عضو) به این مجموعه فازی اختصاص داده است.

در دوره ۱۳۰۰-۱۳۲۰، دیوان‌سالاری در گذار به نظام اداری نوین بود؛ اما فشارهای سیاسی، شبکه‌های شخصی و ضعف نظارت، مانع تحقق شفافیت و تخصص‌محوری شدند و فساد و تبعیض ادامه یافت (آبراهامیان، ۱۳۸۶، صص. ۱۷۰-۱۸۵). با وجود قوانین جدید مثل قانون خدمات کشوری ۱۳۰۴، نظام اداری همچنان تحت تأثیر روابط سستی و سیاسی باقی ماند (مشروح مذاکرات مجلس، ۲۲ دی ۱۳۱۰؛ فوران، ۱۳۸۶، صص. ۲۵۰-۲۶۵). خاطرات تیمورتاش نقش کم‌رنگ تخصص و اهمیت روابط شخصی و قومی را نشان می‌دهد (عاقلی، ۱۴۰۳، صص. ۱۵۷-۱۶۰). وابستگی بوروکرات‌ها به قدرت سیاسی از ویژگی‌های این دوره است که استقلال مدیران را کاهش داد (آبراهامیان، ۱۳۸۶، صص. ۱۷۰-۱۸۵). مطالعات شوستر و میلپو فساد و پارتی‌بازی را شایع و مؤثر در تضعیف ساختار اداری می‌دانند (میلپو، ۲۵۳۶، صص. ۱۰۵-۱۳۰). تبعیض نظام‌مند قومی، منطقه‌ای و طبقاتی در استخدام و تخصیص منابع وجود داشت (کدی، ۱۳۸۶، صص. ۱۳۲-۱۳۴). دوره ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ دوران گذار دیوان‌سالاری از سستی به نوین بود؛ اما با وجود فشارهای سیاسی و ضعف نظارت، پارتی‌بازی و تبعیض همچنان برجسته

بود. براین اساس، محقق نمره ۰٫۸ (بیش تر عضو اما نه کامل) را برای این مجموعه فازی در این دوره در نظر گرفته است.

۶- ظرفیت دولت: پس از مشروطه، نهادهایی چون مجلس، دیوان عدالت و وزارتخانه‌ها ایجاد شدند؛ اما ساختار اداری همچنان ناکارآمد، غیرشفاف و تحت نفوذ منافع شخصی بود. به گفته ملک‌زاده (۱۳۲۸)، بسیاری از کارگزاران آموزش رسمی نداشتند و انتصاب‌ها بر اساس مناسبات ایلی انجام می‌شد. کسروی (۱۳۲۳) نیز به بی‌ثباتی سیاسی و جابه‌جایی مکرر مسئولان اشاره می‌کند. ادوارد براون (۱۹۱۰) نبود هماهنگی میان مجلس و دولت و درگیری‌های جناح‌های مشروطه‌خواه را علت اصلی ضعف تصمیم‌گیری می‌داند. کسروی (۱۳۲۳) نمایندگان مجلس را بیش‌تر مشغول منازعات شخصی می‌داند. ساختار نظامی نیز به دلیل استقلال ژاندارمری، قزاقخانه و نظمیه، هرج و مرج را تشدید می‌کرد. ایران فاقد زیرساخت‌های مدرن حمل‌ونقل و ارتباطات بود؛ جاده‌ها محدود و انتقال مأموران مالیاتی طولانی بود. ساختار مالیاتی سستی و فسادآلود بود و بخش زیادی از درآمد از گمرکات تحت کنترل بیگانگان تأمین می‌شد. شوستر تلاش کرد نظام مالیات‌ستانی نوینی ایجاد کند؛ اما پس از اخراج او این طرح متوقف شد (شوستر، ۱۳۶۱، صص. ۳۱۵-۳۲۵).

قدرت‌های خارجی نقش اساسی داشتند؛ قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به مناطق نفوذ روس و بریتانیا تقسیم کرد (Hamblly, 1974, p. 190). خوانین با پشتوانه اجتماعی و نظامی مانع اجرای قوانین بودند و دولت قادر به مقابله نبود (Keddie, 2003, pp. 60-70). درحالی‌که دولت نوین باید تنها مرجع مشروع خشونت باشد، قزاقخانه و ژاندارمری تحت کنترل نیروهای خارجی بودند و نیروهای مسلح محلی خودمختار فعالیت می‌کردند (Cronin, 2007, pp. 25-27). کسروی (۱۳۲۳) مهاجمان تبریز را قوی‌تر از دولت مرکزی می‌داند. اسناد ملی نشان می‌دهد دولت در مناطق غرب و جنوب وابسته به نیروهای محلی بود و اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی پایین بود (Keddie, 2003, p. 65). نظمیه تهران به دلیل فساد و ناکارآمدی مورد انتقاد بود. بر اساس این داده‌ها، وضعیت ظرفیت دولت بسیار ضعیف (نمره ۱) ارزیابی می‌شود.

با روی کارآمدن رضاشاه، تحولات بنیادی در ظرفیت دولت رخ داد. او دستگاه اداری متمرکز و وفادار ساخت و با کمک مستشارانی چون میلسپو، ساختار مالی و اداری

بازسازی شد (میلسپو، ۲۵۳۶، صص. ۱۹۰-۲۱۸). هرچند وفاداری به شاه جایگزین شایسته‌سالاری شد و تمرکز تصمیم‌ها در سطوح بالا باقی ماند. زیرساخت‌های راه‌آهن، جاده، برق و ارتباطات پیشرفت کرد. نظام مالیاتی نوین‌تر شد و درآمد مالیاتی به بیش از ۷۰ درصد رسید (میلسپو، ۲۵۳۶، صص. ۱۹۳-۲۱۸)، ولی مالیات بیش‌تر بر اقشار متوسط و فقیر تحمیل و طبقات ثروتمند معاف بودند. اقدامات مهمی چون الغای القاب و مصادره املاک انجام شد. با این حال، دولت وابسته به طبقه جدیدی از سرمایه‌داران شد که از طریق قراردادهای دولتی ثروتمند شدند. ایجاد ارتش ملی و شهربانی نوین، خشونت مشروع را در انحصار دولت قرار داد (آبراهامیان، ۱۳۸۶، صص. ۱۶۹-۱۷۰). بودجه نظامی چند برابر شد و قیام‌های محلی سرکوب شدند (صورت‌جلسات هیئت دولت، ۱۳۰۵-۱۳۱۵). امنیت شهری بهبود یافت اما افزایش سرکوب و سانسور، اعتماد عمومی را کاهش داد. دولت رضاشاهی زیرساخت‌ها، ارتش و دیوان‌سالاری نوین ساخت و نفوذ قبیله‌ای را محدود کرد. مقاومت نخبگان محلی همچنان مانعی برای تمرکز کامل قدرت بود. ظرفیت مالی دولت هنوز با مشکلاتی چون ضعف نظام مالیاتی و وابستگی به درآمد نفتی مواجه بود (عاقلی، ۱۴۰۳، صص. ۲۴۰-۲۸۵)؛ بنابراین، وضعیت مجموعه فازی ظرفیت دولت در این دوره خوب ارزیابی می‌شود ولی هنوز کامل نیست و طبق کالیبراسیون، نمره ۰٫۲ به آن اختصاص می‌یابد.

۷- **شواهد تاریخی در خصوص نتیجه:** توسعه‌نیافتگی اقتصادی: ایران در دوره ۱۳۰۰-۱۲۸۵ دارای یک ساختار ارباب - رعیتی بود. مطابق گزارش‌های مأموران روسی و انگلیسی، در بسیاری از مناطق ایران، دهقانان مجبور به پرداخت بیش از ۷۰ درصد از محصول خود به اربابان بودند. این نابرابری منجر به نبود تحرک طبقاتی و نارضایتی گسترده شد. در نبود آمار رسمی، داده‌های تاریخی نشان می‌دهند که تولید اقتصادی کشور عمدتاً مبتنی بر کشاورزی معیشتی و صنایع دستی محدود بود. بحران‌های محیطی، ناامنی و فروپاشی تجارت داخلی و خارجی باعث کاهش شدید تولید و درآمد سرانه شد (Abrahamian, 2008, pp. 106-120).

به دلیل رکود نسبی، بخش بزرگی از جمعیت فعال کشور فاقد شغل پایدار بودند. در غیاب نظام تأمین اجتماعی و قانون کار، فقر و گرسنگی افزایش یافت (Keddie, 2003,)

85 p). برآوردها نشان می‌دهد که امید به زندگی در این دوره زیر ۴۰ سال بوده است. قحطی بزرگ سال‌های ۱۲۹۸-۱۲۹۶ در بازه زمانی ۱۲۸۵-۱۳۰۰ که با مرگ میلیون‌ها ایرانی همراه شد، تأثیر مخربی بر ساختار جمعیتی، سلامت عمومی و امنیت غذایی کشور گذاشت. (Majd, 2003, pp. 50-75) با توجه به این توضیحات محقق وضعیت توسعه‌نیافتگی اقتصادی در این دوره را بسیار ضعیف ارزیابی می‌کند و برای این مجموعه فازی در این دوره نمره ۱ (کاملاً عضو) در نظر می‌گیرد.

در خصوص وضعیت اقتصادی ۱۳۰۰-۱۳۲۰، کاتوزیان (۱۴۰۳) آن را توسعه را آمرانه و وابسته به دولت می‌داند. آبراهامیان آن را «ناهمگون» توصیف می‌کند؛ زیرا توزیع پیشرفت میان دهقانان بسیار جزئی بود. اگرچه پس از ۱۳۰۵ اقدامات اولیه در حوزه بهداشت آغاز شد؛ اما در مناطق روستایی امید به زندگی هنوز پایین باقی ماند. رشد اقتصادی به سود طبقه متوسط شهری متمرکز شد. ساختار مالیاتی ناعادلانه فشار مالی بیش‌تری بر دوش دهقانان گذاشت. رضاشاه قوانینی نظیر قانون کار (۱۳۰۱-۱۳۰۲) و اصلاحات قضائی را با هدف ایجاد امنیت اقتصادی معرفی کرد (کاتوزیان، ۱۴۰۳، صص. ۲۰۵-۲۱۵). بااین‌حال، فساد در میان نخبگان دربار فضای اقتصادی را تضعیف کرد. دولت در این دوره، اقتدارگرا و سرکوب‌گر بود که فضای مستقل اقتصادی را محدود ساخت (فوران، ۱۳۸۶، صص. ۲۵۰-۲۶۵). درمجموع، دوره ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ویژگی‌های توسعه ناهمگون و اقتدارگرایانه داشت؛ رشد شهری و صنعتی بدون همراهی با رفاه عمومی، افزایش نابرابری، بیکاری، و نظام اقتصادی بی‌ثبات. با توجه به این توضیحات محقق وضعیت اقتصادی در این دوره را کم‌وبیش مطلوب ارزیابی می‌کند و برای این مجموعه فازی در این دوره نمره ۰,۶ (کم‌وبیش عضو) در نظر می‌گیرد.

۴-۲. یافته‌های استنباطی

به‌منظور شناسایی ترکیب شرایط علی مؤثر بر پدیده «توسعه‌نیافتگی اقتصادی»، از روش تحلیل مجموعه‌های فازی (fsQCA) استفاده شد. مدل تحلیلی مطالعه به‌صورت زیر تعریف گردید:

Economic underdevelopment = f(GI¹, WASL², WSP³, WBP⁴, R⁵, WGC⁶)
 در این مدل، پیامد مورد بررسی «توسعه نیافتگی اقتصادی» و عوامل شامل شش عامل ساختاری و نهادی هستند. تحلیل با استفاده از الگوریتم Quine-McCluskey انجام شد و سه نوع راه حل تحلیلی (راه حل پیچیده، میانه و صرفه جویانه) استخراج گردید. در هر سه نوع راه حل، تنها یک ترکیب علی معتبر شناسایی شد که به عنوان شرط کافی برای وقوع توسعه نیافتگی اقتصادی شناخته می شود. به عبارت دیگر، حضور هم زمان پنج شرط: ناسازگاری ژانری فرادستان، ضعف در تبعیت فرادستان از قوانین، ضعف در تفکیک قوا، ضعف در موازنه قدرت بین دولت و جامعه و رابطه گرایی در مقابل ضابطه گرایی دولت به عنوان عامل وقوع توسعه نیافتگی اقتصادی شناسایی شد. در این ترکیب، متغیر ظرفیت حکمرانی ضعیف وارد نشده است که بیانگر آن است که این متغیر شرط کافی در ترکیب مؤثر نبوده است.

شاخص های مربوط به این تحلیل در جدول زیر نشان داده شده است. سطح سازگاری در این تحلیل عدد یک را نشان می دهد که نشان دهنده سازگاری کامل است. سازگاری کامل بیانگر آن است که در همه مواردی که این ترکیب مشاهده شده، پیامد توسعه نیافتگی اقتصادی نیز بدون هیچ مورد متناقضی محقق شده است. همچنین، میزان پوشش خام ۰,۷۵ نشان می دهد که این مسیر علی قادر به تبیین ۷۵ درصد از موارد وقوع توسعه نیافتگی اقتصادی در نمونه پژوهش بوده است.

جدول (۴): سطح سازگاری و پوشش

مقدار	شاخص ها
۰,۷۵	Raw Coverage
۰,۷۵	Unique Coverage
۱	Consistency

منبع: (یافته های پژوهش حاضر)

1. Genetic incompatibility
2. Weak adherence of superiors to the laws
3. Weakness in the separation of powers
4. Weakness in the balance of power
5. Relationalism
6. Weakness in government capacity

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی ایران در دو بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۰۰ و ۱۳۲۰-۱۳۰۰ اختصاص یافت. با بررسی نظریات مختلف در خصوص توسعه و درنهایت با تلفیق آن‌ها با نظریات جدید نهادگرایی، تلاش شد تا چهارچوبی نظری برای تحلیل مسئله پژوهش ایجاد شود. پس از آن با توجه به روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی (fsQCA) تلاش شد تا با عملیاتی‌سازی مفاهیم پژوهش و ایجاد مجموعه‌های فازی شش ارزشی از نتیجه و علل پژوهش، این چهارچوب نظری با داده‌ها و رخدادهای تاریخی به محک گذاشته شود. یافته‌ها در دو سطح تحلیلی - تاریخی و استنباطی ارائه شد. طبق یافته‌ها، فرایند توسعه ایران ناشی از کج‌کارکردی در نهادهای سیاسی شش‌گانه است. نتایج پژوهش با استفاده از نرم‌افزار FCQCA بیانگر آن است که در سه نوع راه‌حل تحلیلی (راه‌حل پیچیده، میانه و صرفه‌جویانه)، تنها یک ترکیب علی معتبر شناسایی شد که نشان‌دهنده حضور هم‌زمان پنج شرط: ناسازگاری ژانری فرادستان، ضعف در تبعیت فرادستان از قوانین، ضعف در تفکیک‌قوا، ضعف در موازنه قدرت بین دولت و جامعه و رابطه‌گرایی در مقابل ضابطه‌گرایی به‌عنوان عامل وقوع توسعه‌نیافتگی اقتصادی ایران در دوره تاریخی موردنظر است. سطح سازگاری در این تحلیل عدد یک را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده سازگاری کامل است. همچنین، میزان پوشش خام ۰,۷۵ نشان می‌دهد که این مسیر علی قادر به تبیین ۷۵ درصد از موارد وقوع توسعه‌نیافتگی اقتصادی در نمونه پژوهش بوده است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که توسعه‌نیافتگی اقتصادی ایران در دوره ۱۳۲۰-۱۳۸۵، حاصل هم‌زمانی و تعامل چندین عامل نهادی ذکرشده بوده است و نه یک شرط منفرد.

کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۶). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آرشیو ملی ایران، سند شماره ۴۶۷۸/ق.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۷)، اندیشه نوسازی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- اداره تفتیشیه نظمیه، بازجویی از اعضای حزب کمونیست، پرونده شماره ۱۳۰۰/۲۱۱.
- اداره کل مطبوعات وزارت معارف (۱۳۱۱) ۸.
- اسکندری، سلیمان میرزا (۱۳۵۸). *خاطرات*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: انتشارات زمینه.
- بدیع، برتران (۱۳۸۷). *توسعه سیاسی*. ترجمه احمد نقیب زاده، بی جا: نشر قومس.
- بشیری، حسین (۱۳۸۷). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
- بهنام، جمشید (۱۳۹۹). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: انتشارات فرزانه روز.
- بیدالله خانی، آرش و فرخاری، محبوبه (۱۴۰۱). *فرا تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در ایران بین سال های ۱۳۹۹-۱۳۹۰*. *دانش سیاسی*، ۱۸ (۱).
- تقی زاده، حسن (۱۳۶۸). *خاطرات سیاسی*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۴۰۱). *دولت و سیاست تنازعی در ایران معاصر، ضرورت گذار به دولت مصالحه جو*. *فصلنامه دولت پژوهی*، سال هشتم، (۳۲)، ۳۷-۶۲.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*. تهران: نشر فردوس.
- رضاقلی، علی (۱۳۶۷). *جامعه شناسی خودکامگی*. تهران: نشر نی.
- رضاقلی، علی (۱۳۷۷). *جامعه شناسی نخبه کشی*. تهران: نشر نی.
- رنانی، محسن و مویدفر، رزیتا (۱۳۹۶). *چرخه های افوق اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران*. تهران: طرح نقد.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷)، شماره ۱۲.
- روزنامه تمدن (۱۲۹۱)، شماره ۷۵.
- روزنامه رسمی (۱۲۸۷).
- روزنامه ندای وطن (۱۲۹۴)، شماره ۱۱۰.
- زیباکلام، صادق (۱۴۰۰). *ما چگونه ما شدیم؟ ریشه یابی علل عقب ماندگی در ایران*. تهران:

انتشارات روزنه.

سریع‌القلم، محمود (۱۴۰۱). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران. تهران: انتشارات فرزانه روز.
سلیمانی، فاطمه (۱۴۰۳). جایگاه دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران. دانش سیاسی، ۲۰(۲).

سنجابی، کریم (۱۳۶۸). امیدها و ناامیدی‌ها، خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی. نشر کتاب، چاپ اول، لندن.

شوستر، مورگان ویلیام (۱۳۶۱). اختناق ایران. ترجمه حسین مکی، تهران: انتشارات علمی.
شیخ‌زاده، صدیقه؛ کمالی، یحیی و لشکری، زهرا (۱۴۰۲). نقش دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، ۱۹(۱)، فروردین.
طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۶). دیپلماسی بر نظریه انحطاط ایران. نشر نگاه معاصر.
عاقلی، باقر (۱۴۰۳). تیمور تاش. تهران: بدرقه جاویدان.

عجم‌اوغلو، دارون و جیمز، رابینسون (۱۳۹۵). چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟. محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.
عجم‌اوغلو، دارون و جیمز، رابینسون (۱۴۰۱). راه باریک آزادی. ترجمه سید علیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان، تهران: نشر روزنه.

عظیمی، حسین (۱۳۹۴). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
علمداری، کاظم (۱۳۸۹). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟. تهران: نشر توسعه.
غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۷). تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر. نشر مرکز.
فراستخواه، مقصود (۱۴۰۱). ما ایرانیان: زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیات ایرانی. تهران: نشر نی.

فرمان سلطنتی (۳ اسفند ۱۲۹۹)، آرشیو ملی ایران، پرونده شماره ۱۲۹۹/۳۸۹.
فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه (۱۲۸۵). سند شماره ۱۲۳، آرشیو ملی ایران.
فروغی، محمدعلی (۱۴۰۳). خاطرات محمدعلی فروغی. انتشارات سخن.
فوران، جان (۱۳۸۶). مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین، نشر خدمات فرهنگی رسا.
فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۷). نظم و زوال سیاسی. ترجمه رحمن قهرمان پور، تهران: انتشارات روزنه.

قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۹). در پیرامون خودمداری/ایرانیان. نشر اختران.
قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵).

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۴۰۰). *دولت و جامعه در ایران*. ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۴۰۳). *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران: نشر مرکز.

کدی، نیکی (۱۳۸۶). *ریشه های انقلاب ایران*. ترجمه: عبدالرحیم گواهی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

کسروی، احمد (۱۳۲۳). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
گزارش کمیسیون حقیقت یاب مجلس دوم (۱۲۸۷). اسناد مجلس شورای ملی، جلد ۴، سند شماره ۲۲۴.

مجموعه اسناد مجلس شورای ملی، جلد های ۱ تا ۳.
مجموعه اسناد وزارت داخله، سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۳۲۸/ق، ۱۲۹۳.
مخبرالسلطنه هدایت (۱۳۷۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.
مشروح مذاکرات مجلس (۱۳۰۷). تهران، مجلس شورای ملی.
ملک زاده، مهدی (۱۳۲۸). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (جلدهای ۱ تا ۳)*. چاپخانه مجلس شورای ملی.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۵). *شش سال در دربار پهلوی: خاطرات محمد ارجمند سرپرست تلگرافخانه مخصوص رضاشاه*. نشر پیکان.

میلسپو، آرتور (۲۵۳۶). *مأموریت آمریکایی ها در ایران*. ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات پیام. نراقی، حسن (۱۳۹۹). *جامعه شناسی خودمانی*. نشر اختران.

نظمیه کل، گزارش انتخابات مجلس سوم، سند شماره ۱۰۲/۱۲۹۴، اداره کل اسناد ملی.
نورث، داگلاس سی (۱۳۹۷). *نهادهای، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. ترجمه محمدرضا معینی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

نورث، داگلاس سی (۱۳۹۸). *فهم فرایند تحول اقتصادی*. ترجمه زهرا فرضی زاده و میرسعید مهاجرانی، انتشارات نهادگرا.

نورث، داگلاس سی و دیگران (۱۴۰۱). *خشونت و نظم های اجتماعی (چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر)*. ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، انتشارات روزنه.

References

- Abrahamian, E. (2007). *Iran between two revolutions* (A. Golmohammadi & M. I. Fattahi, Trans.). Tehran: Ney. (In Persian)
- Abrahamian, Ervand (2008). *A History of Modern Iran*. Cambridge University Press.
- Acemoglu, D. & Robinson, J. (2016). *Why nations fail* (M. Mirdamadi & M. H. Naeimi-Pour, Trans.). Tehran: Roozaneh. (In Persian)
- Acemoglu, D., & Robinson, J. (2022). *The narrow corridor* (S. A. Beheshti Shirazi & J. Khairkhahan, Trans.) (7th ed.). Tehran: Roozaneh. (In Persian)
- Afary, Janet (1996). *The Iranian Constitutional Revolution, 1906–1911: Grassroots Democracy, Social Democracy, and the Origins of Feminism*. Columbia University Press.
- Aghili, B. (2024). *Teymur Tash: An eternal farewell* (5th ed.). (In Persian)
- Alamdari, K. (2010). *Why Iran lagged behind and the West advanced*. Tehran: Towse'eh. (In Persian)
- Amuzegar, Jahangir (1977). *Iran: an economic profile*. Middle East Inst.
- Ashraf, A. (1980). *Historical obstacles to the growth of capitalism in Iran: The Qajar period*. Tehran: Zamineh. (In Persian)
- Azad Armaki, T. (2018). *The idea of modernization in Iran*. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Azimi, Fakhreddin (2008). *The Quest for Democracy in Iran: A Century of Struggle against Authoritarian Rule*. Harvard University Press.
- Azimi, H. (2015). *Circuits of underdevelopment in Iran's economy*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Badie, B. (2008). *Political development* (A. Naqibzadeh, Trans.). Tehran: Qoms. (In Persian)
- Bashiriyeh, H. (2008). *Obstacles to political development in Iran*. Tehran: Gam-e No. (In Persian)
- Behnam, J. (2020). *Iranians and the idea of modernity* (6th ed.). Tehran: Farzan Rooz. (In Persian)
- Bharier, Julian (1971). *The Economic Development in Iran, 1900-1970*. London: Oxford University Press.
- Bidollahkhani, A. & Farrokhari, M. (2022). A meta-analysis of factors affecting political development in Iran (2011–2020). *Danesh-e Siasi*, 18(1). (In Persian)
- Browne, Edward Granville (1910). *The Persian Revolution of 1905–1909*. Cambridge University Press.
- Clawson, Patrick (1993). Knitting Iran together: the land transport revolution, 1920–1940. *Iranian Studies*, 26(3-4), 235-250.
- Constitution of Iran* (1906). (In Persian)
- Cronin, S. (2003). *The Making of Modern Iran*. Routledge.
- Cronin, Stephanie (2007). *The Army and the Creation of the Pahlavi State in Iran, 1910–1926*. I.B. Tauris.
- Delavari, A. (2022). State and contentious politics in contemporary Iran: The necessity of transition to a conciliatory state. *Dowlat-Pazhuheshi*, 8(32), 37–62. (In Persian)
- Dowlatabadi, Y. (1983). *The life of Yahya*. Tehran: Ferdows. (In Persian)
- Edareh-ye Taftishiyeh-ye Nazmiyeh. (1921). *Interrogation of members of the Communist Party* (File No. 211/1300). (In Persian)
- Eskandari, S. M. (1979). *Memoirs*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran. (In Persian)
- Ettela'at Newspaper (1928). No. 12. (In Persian)
- Farasatkah, M. (2022). *We, Iranians*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Foran, J. (2007). *Fragile resistance* (A. Tadin, Trans.). Tehran: Rasa. (In Persian)

- Foroughi, M. A. (2024). *Memoirs of Mohammad Ali Foroughi* (6th ed.). Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Fukuyama, F. (2018). *Political order and political decay* (R. Ghahremanpour, Trans.) (5th ed.). Tehran: Roozaneh. (In Persian)
- Ghani, Cyrus (2008). *Iran and the Rise of Reza Shah: From Qajar Collapse to Pahlavi Rule*. I.B. Tauris.
- Ghani-Nejad, M. (2018). *Modernism and development in contemporary Iran* (6th ed.). Tehran: Markaz. (In Persian)
- Ghazi-Moradi, H. (2020). *On Iranian self-centeredness* (10th ed.). Tehran: Akhtaran. (In Persian)
- Halliday, F. (1978). *Iran: Dictatorship and development*. Penguin.
- Hambly, Gavin R. G. (1974). In Peter Avery, Gavin R. G. Hambly, & Charles Melville (Eds.), *The Cambridge History of Iran*, Vol. 7: From Nadir Shah to the Islamic Republic (pp. 182–235). Cambridge University Press.
- Hibbs, D. A. (1973). *Mass political violence: A cross-national causal analysis* (Vol. 253). New York: Wiley.
- Huntington, S. P. (2006). *Political order in changing societies*. Yale university press.
- Jazani, B. (1980). *Capitalism and Revolution in Iran: Selected Writings of Bizhan Jazani*. Zed Books.
- Kasravi, A. (1944). *History of the Iranian Constitutional Revolution*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Katouzian, H. (2021). *State and society in Iran* (H. Afshar, Trans.). Tehran: Markaz. (In Persian)
- Katouzian, H. (2024). *The political economy of Iran* (M. R. Nafisi, Trans.) (28th ed.). Tehran: Markaz. (In Persian)
- Keddie, N. (2007). *Roots of the Iranian revolution* (A. Gavaahi, Trans.). Tehran: Center for the Study of Islam and Iran. (In Persian)
- Keddie, Nikki R. (2003). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Yale University Press.
- Looney, Robert. E. (1977). *A Development Strategy for Iran through the 1980s* (Vol. 177). Greenwood.
- Mahdavi, A. H. (2006). *Six years in the Pahlavi court*. Tehran: Peykan. (In Persian)
- Mahdavy, Hossein (1970). *Patterns ad Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran*". *Studies in the Economic History of the Middle-East*, Ed. MA Cook. Oxford: Oxford University Press.
- Majd, Mohammad Gholi (2003). *The Great Famine and Genocide in Persia, 1917–1919*. University Press of America.
- Majles Documents Collection. (n.d.). Vols. 1–3. (In Persian)
- Malekzadeh, M. (1949). *History of the Iranian Constitutional Revolution* (Vols. 1–3). Tehran: Majles Press. (In Persian)
- Milani, Mohsen (1994). *The making of Iran's Islamic revolution: From monarchy to Islamic republic*. Westview Press.
- Millspaugh, A. (1957). *The American mission in Iran* (H. Aboutorabi, Trans.). Tehran: Payam. (In Persian)
- Mofid, Kamran. (1987). *Development planning in Iran: From monarchy to islamic republic*. Kingston Press.
- Mokhber al-Saltaneh Hedayat. (1996). *Memoirs and dangers*. Tehran: Zavar. (In Persian)
- Motamen, Homa (1979). *Expenditure of oil revenue: an optimal- control approach*

with application to the Iranian economy.

- Naraqi, H. (2020). *Sociology of intimacy* (34th ed.). Tehran: Akhtaran. (In Persian)
- National Archives of Iran. (n.d.). Document No. 4678/Q. (In Persian)
- Nazmiyeh Kol (1915). *Report on the Third Majles elections* (Doc. No. 102/1294). National Archives of Iran. (In Persian)
- North, D. C. (2018). *Institutions, institutional change and economic performance* (M. R. Moeini, Trans.) (4th ed.). Tehran: Management and Planning Organization. (In Persian)
- North, D. C. (2019). *Understanding the process of economic change* (Z. Farzi-Zadeh & M. S. Mohajerani, Trans.) (4th ed.). Tehran: Nahadgara. (In Persian)
- North, D. C., Wallis, J. J. & Weingast, B. R. (2022). *Violence and social orders* (J. Khairkahan & R. Majidzadeh, Trans.) (4th ed.). Tehran: Roozaneh. (In Persian)
- Official Gazette. (1908). (In Persian)
- Pesaran, M. Hashem (1985). *Economic development and revolutionary upheavals in Iran* (pp. 15-50). Palgrave Macmillan UK.
- Proceedings of the Majles (1928). Tehran: National Consultative Assembly. (In Persian)
- Ragin, C. (2007). *Chapter 5: qualitative comparative analysis using fuzzy sets (Fsqa)*. forthcoming in N. Rihoux and C. Ragin (eds.), *Configurational Comparative Analysis*, London: Sage Publications.
- Renani, M. & Moayedfar, R. (2017). *Cycles of moral and economic horizons*. Tehran: Tarh-e Naqd. (In Persian)
- Rezaqoli, A. (1988). *Sociology of despotism* (28th ed.). Tehran: Ney. (In Persian)
- Rezaqoli, A. (1998). *Sociology of elite killing* (45th ed.). Tehran: Ney. (In Persian)
- Royal Decree (1921, February 21). *National Archives of Iran* (File No. 389/1299). (In Persian)
- Saikal, Amin (2009). *The rise and fall of the Shah: Iran from autocracy to religious rule*. Princeton University Press.
- Sanjabi, K. (1989). *Hopes and disappointments*. London: Nashr-e Ketab. (In Persian)
- Sari' al-Qalam, M. (2022). *Rationality and the future of Iran's development*. Tehran: Farzan Rooz. (In Persian)
- Sheikhzadeh, S., Kamali, Y. & Lashkari, Z. (2023). *The role of economic diplomacy in the development plans of the Islamic Republic of Iran*. *Danesh-e Siasi*, 19. (In Persian)
- Shuster, W. M. (1982). *The strangling of Persia* (H. Makki, Trans.). Tehran: Elmi. (In Persian)
- Soleimani, F. (2024). *The role of economic diplomacy in Iran's development plans*. *Danesh-e Siasi*, 20(2). (In Persian)
- Tabatabaei, S. J. (2007). *An introduction to the theory of Iranian decline* (7th ed.). Tehran: Negah-e Mo'aser. (In Persian)
- Taghizadeh, H. (1989). *Political memoirs*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran. (In Persian)
- Tamaddon Newspaper. (1912). No. 75. (In Persian)
- Zibakalam, S. (2021). *How did we become who we are?* Tehran: Roozaneh. (In Persian)